

## گذشت بزرگوارانه؛ (تحلیل چیهستی «صفح» در قرآن، با تأکید بر دیدگاه علامه جوادی آملی)

علی مدبر (اسلامی)<sup>۱</sup>

### چکیده

صفح، از آموزه‌های معاشرت اسلامی است که قرآن کریم در چندین آیه به آن دعوت کرده است. گرچه برخی از واژه‌پژوهان و مفسران، صفح و عفو را هم‌معنا دانسته‌اند؛ به نظر برخی دیگر از لغت‌دانان و بسیاری از مفسران، از جمله علامه جوادی آملی، صفح که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به «جمیل / زیبا» وصف شده، معنایی متفاوت با عفو دارد و برتر از عفو و برخاسته از کرامت نفسانی ویژه‌ای است، زیرا عفو به معنای ترک انتقام؛ ولی صفح، به معنای صرف نظر کردن از اصل تبهکاری، زدودن کینه و ناراحتی از دل، و صفح‌گردانی کریمانه و ندیدن صفحه‌ای از خاطرات خود - که خطا و زشتی و تجاوز دیگران بر آن نقش بسته - و چشم‌پوشی از آن و گشودن صفحه‌ای زیبا و فراموش کردن خطای خطاکار است که از آثار آن نه تنها ترک انتقام، بلکه ترک نکوهش و سرزنش شخص خطاکار است. ادله و شواهد دیدگاه دوم عبارت‌اند از: تصریح برخی واژه‌پژوهان و کتاب‌های فروع اللغه؛ هماهنگی معنای اصطلاحی یادشده با معنای لغوی؛ شاهد قرآنی؛ شاهد روایی و آرای مفسران، به ویژه مفسران ادیب. در این مقاله، پس از مباحث مقدماتی، این ادله و شواهد به تفصیل بررسی می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها:** صفح، عفو، سرزنش، گذشت بزرگوارانه، علامه جوادی.

۱- استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن. (a.modabber@isca.ac.ir)

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۰۵/۱۸).

## بیان مسئله

یکی از آموزه‌های قرآنی برای معاشرت اسلامی، «صفح» است. خدای سبحان فراتر از فرمان اخلاقی عفو، مؤمنان را به «صفح» در معاشرت با دیگران فراخوانده است. قرآن کریم در چندین آیه به کرامت اخلاقی صفح فراخوانده، چنان‌که برخی نمونه‌های صفح را در زندگی و سیره پیامبران الهی نشان داده است؛ برای نمونه، صفح و گذشت کریمانه حضرت یوسف علیه السلام را یاد می‌کند که در کمال جوانمردی، از ستم برادران خویش گذشت و نه تنها از آنان انتقام نگرفت، به گونه صریح فرمود که امروز بر شما هیچ سرزنشی نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است: «لَا تَثْرِبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ» (یوسف/ ۹۲).

پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز در کنار دعوت مردم به عفو و پرهیز از انتقام، آنان را به صفح توصیه کرده‌اند، چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌نویسد مردم را از عفو و صفح خویش برخوردار ساز؛ به گونه‌ای که دوست می‌داری خداوند تورا از عفو و صفح خویش بهره‌مند سازد: «فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِی تُحِبُّ أَنْ يُعْطِیَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَ صَفْحِهِ» (صبحی صالح، ۱۴۱۴: نامه ۴۲۸/۵۳. حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲۶-۱۲۷). امام صادق علیه السلام نیز از یک سو در حدیث جنود عقل و جهل، صفح را از لشکریان عقل برشمرده (برقی، ۱۳۷۱: ۱۹۷/۱) و از سوی دیگر آن را از مکارم اخلاق دانسته (ابن بابویه، ۱۳۶۱: ۱۹۱)، گرچه بر اثر دشواری دستیابی به این کرامت اخلاقی ویژه فرموده‌اند مردم توان صفح را ندارند (حویری، ۱۳۷۳: ۲۸۷/۴) که مراد، توان نداشتن بیشتر مردم است؛ نه همه آنان و گرنه به صفح سفارش نمی‌شد.

از پرسش‌های اساسی درباره رابطه صفح با عفو این است که آیا فضیلت اخلاقی

صفح همان عفو است و این دو عین هم‌اند یا با هم مغایرت و تفاوت دارند. برخی لغویان و مفسران به عینیت و برخی دیگر، از جمله علامه جوادی آملی، به مغایرت و تفاوت آن دو نظر داده‌اند. در این مقاله با ارائه برخی ادله و شواهد به اثبات می‌رسد که صفح، با عفو متفاوت، و برتر از آن و بدین معناست که از اصل تبهکاری دیگران صرف نظر کنیم و خطای خطاکاران را فراموش کنیم و کینه و ناراحتی از آنان را از دل بزداییم. در نتیجه نه تنها از آنان انتقام نگیریم، بلکه آنان را سرزنش و نکوهش نیز نکنیم. شاید تعبیر کنایی «چشم‌پوشی» در فارسی، معادلی متناسب برای واژه قرآنی «صفح» باشد. بر این اساس، می‌توان از صفح به «گذشت و چشم‌پوشی بزرگوارانه» تعبیر کرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۵: ۱۹۹/۹).

گفتنی است که تحلیل و بررسی فضیلت اخلاقی صفح در سیره پیامبران الهی و امامان معصوم علیهم‌السلام و تبیین موارد و مصادیق بایسته و نبایسته صفح و نیز پاسخ به برخی شبهات در این زمینه، از موضوع و حوصله مقاله کنونی خارج و نیازمند پژوهشی دیگر است.

پیرو یادکرد از صفح در آیاتی از قرآن کریم، مفسران فریقین در تفسیر آیات متناسب و مرتبط، به تبیین این فضیلت اخلاقی پرداخته‌اند که نمونه‌هایی از آن‌ها در همین مقاله ارائه خواهند شد؛ همچنین در مقالاتی علمی یا ترویجی مباحثی درباره صفح ارائه شده‌اند که برای رعایت اختصار مقاله از معرفی آن‌ها صرف نظر می‌کنیم؛ ولی تا آنجا که بررسی شد، اثری علمی و تحلیلی درباره دیدگاه علامه جوادی درباره صفح و به ویژه تفاوت آن با عفو یافت نشد.

اکنون به اجمال، به مفهوم‌شناسی صفح و تبیین تفاوت آن با عفو می‌پردازیم.

## صفح در لغت و اصطلاح

صفح در لغت به معنای جهت و جانب و پهلو (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۹/۴-۱۵۰). ابن فارس: ۱۴۰۴: ۲۹۳/۱-۱۳۷۵: ۵۵۵) و روی هر چیز و ظاهر آن (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵/۴). ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۴/۳، «صفح». طوسی، بی تا: ۴۰۷/۱؛ مانند صفحه صورت، صفحه سنگ و صفحه شمشیر: [دو پهلوئی آن] است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۶، «صفح»).

اما در اصطلاح، برخی لغویان، صفح را همان عفو دانسته‌اند، چنان‌که ابن دُرَید صفح را به معنای عفو از جرم دیگران می‌داند (ابن درید، ۱۹۸۸: ۵۴۱/۱، «صفح»). زمخشری نیز آن را اعراض و رویگردانی از جرم و گناه دیگران می‌داند (زمخشری، ۱۹۷۹: ۳۵۶) نیز می‌نویسد: «صَفَحَ عَثَّةً: عفو کرد از وی» (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۷۵، «صفح»). فیومی نیز آن را از باب نَفَع [فَعَلَ يَفْعَلُ] و هم‌معنای عفو شناسانده است (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۴۲/۱، «صفح»). فیروزآبادی نیز عفو و صفح را ترک و وانهادن عقوبت و کیفر کسی دانسته که شایسته کیفر است (فیروز آبادی، ۱۴۱۵: ۴۱۰/۴).

در دیدگاهی دیگر، همسو با دیدگاه علامه جوادی آملی، صفح با عفو تفاوت دارد و عفو، ترک عقوبت و انتقام است؛ ولی صفح، به معنای صرف نظر کردن از اصل تبه‌کاری و خطا، زدودن کینه و ناراحتی از دل، و صفحه‌گردانی کریمانه و ندیدن صفحه‌ای از خاطرات خود - که خطا و زشتی و تجاوز دیگران بر آن نقش بسته - و چشم‌پوشی از آن و گشودن صفحه‌ای زیبا و فراموش کردن خطای خطاکار است که از آثار آن نه تنها ترک انتقام، بلکه ترک نکوهش و سرزنش است.

## دیدگاه علامه جوادی درباره فضیلت اخلاقی صفح

مباحث علامه جوادی آملی در تفسیر گرانسنگ تسنیم و برخی دیگر از آثار ایشان

درباره صفح دو دسته‌اند: دسته یکم، مباحث بیانگر جایگاه و اهمیت عفو و صفح‌اند و دسته دوم بیان‌کننده معنای صفح و تفاوت آن با عفو. برای نمونه به مواردی از هر دو دسته، همراه با عنوان متناسب و نیز تحلیل و بررسی برخی موارد آن اشاره می‌کنیم:

### دسته یکم. جایگاه و اهمیت عفو و صفح

۱. تبیین جایگاه عفو و صفح در رهنمودهای اخلاقی قرآن کریم: «دستور رایج اسلامی، برخورد مهربانانه با هر انسان است: «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳) ... و آنچه درباره مشرکان نازل شده، بر اساس همین فرمان عمومی است... و آنچه درباره اهل کتاب وارد شده نیز بر همین منوال است ... اصل اخلاقی حاکم بر روابط اجتماعی، اعم از محلی و منطقه‌ای و بین‌المللی در برخوردها... همانا گذشت از زشتی به نحو زیبا و دفع بدی به سبک خوبی است و آیات «يَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» (رعد/۲۲. قصص/۵۴)، یعنی مردان مؤمن با نیکی بدی را دفع و ذرء می‌کنند و «ادْفَعِ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ» (مؤمنون/۹۶. فصلت/۳۴)، یعنی تو ای مسلمان! هر بدی را به خصلت خوب و روش زیبا و سنت پسندیده دفع کن، شاهد گویای روش اساسی اسلام در برخورد با دگراندیشان یا دگرگرایان است .... مظهر خدای عَفْوٌ و صَفْوٌ شدن، مقام منیعی است که فقط در مکتب قرآن خلیفه‌پرور فراهم می‌شود و شاید تزییل آیه مورد بحث [«فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۱۰۹)] به قدرت بیکران الهی که نکات فراوانی را به همراه دارد، این آموزه دینی را هم ارائه کند که خدای سبحان با همه اقتدار نامحدودش هرگز به انتقام مبادرت نمی‌ورزد و تا ممکن است به عفو و صفح ظهور می‌کند و شما هم جانشینان خداوند در زمین بوده، مظهر رأفت باشید» (جوادی آملی،

۱۳۸۹: ۱۶۰/۶-۱۶۱).

تحلیل و بررسی: نکته قابل توجه در این سخنان، افزون بر تبیین جایگاه و اهمیت عفو و صفح این است که جایگاه عفو و صفح را در منظومه رهنموهای اخلاقی قرآن کریم مشخص می‌کند؛ بدین معنا که قرآن کریم در جایی به گونه کلی به «برخورد مهربانانه با هر انسان»، «دفع بدی به سبک خوبی و با خصلت خوب و روش زیبا و سنت پسندیده» توصیه می‌کند؛ ولی در آیاتی دیگر روش‌ها و مصادیق این اصول کلی را در قالب عفو و صفح و مانند آن‌ها بیان می‌کند.

علامه جوادی در جایی دیگر نیز ذیل عنوان «مراتب بخشایش گناه» به رابطه صفح با برخی مفاهیم همسو این گونه اشاره کرده‌اند که «بخشایش گناه مراتبی دارد؛ مانند مغفرت، تکفیر، عفو، صفح ..... «صفح جمیل»، عالی‌ترین مرحله آن است و آن عبارت از این است که خداوند گناه را به گونه‌ای ببخشاید که گناهکار فراموش کند چنین گناهی از او سر زده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۰۴/۱۶).

۲. اهمیت ویژه کرامت اخلاقی عفو و صفح: «عفو» از اوصاف فعلی خداوند است: «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ» (مجادله/۲) و به پیامبرش فرمان داده است که «عفو» را بگیرد و از دست ندهد: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف/۱۹۹) و نیز مردان الهی را که بهشت برای آنان آماده شده است و آنان محبوب خدایند، با وصف عفوکنندگان از مردم شناسانده است: «وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۳۳-۱۳۴)؛ نیز به صورت مطلق به مؤمنان دستور «عفو» و «صفح» داده است: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» (بقره/۱۰۹)؛ «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (بقره/۱۷۸)؛ «وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»

(بقره/۲۳۷)، بنابراین «عفو» اهمیتی ویژه دارد و نباید در جامعه اسلامی، این کرامت اخلاقی به فراموشی سپرده شود (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۱/۴۵۰-۴۵۱).

### دسته دوم. تبیین معنای صفح و تفاوت آن با عفو

۱. تبیین معنای «صفح» و اشاره به دیدگاه مفسران ادیب: «صفح در معاشرت با دیگران و اهل اسائه ... این است که انسان، کریمانه برای اعراض از گذشته، صفحات خاطرات خود را ورق زده، هرگز به یاد نیاورد که فلان شخص به او بد کرده است و در نتیجه، حتی از سرزنش تبهکار نیز خودداری کند، نه اینکه همواره بدی دیگران و جبران‌ناپذیری آن را در نظر داشته باشد؛ اما عفو، در گذشتن از مجازات و مؤاخذه کسی است که در حق ما بدی روا داشته است. این تفاوت، هم در بعضی از کتاب‌های لغت و فروق اللغة آمده و هم برخی مفسران ادیب، مانند ابوالسعود و آلوسی و ثعلبی و ابوالفتوح آن را اختیار کرده‌اند و هم استعمالات قرآنی مؤید آن است، زیرا در همه مواردی که این دو واژه در کنار هم آمده، «صفح» بعد از «عفو» واقع شده که نشانه ترقی است. این معنا با صفح به معنای «جانب و جنب» که در کتاب‌های لغت به آن تصریح شده نیز هماهنگ است؛ زیرا لازم پهلوی گرفتن و جانب‌گزینی نسبت به بدی که در حق شخص روا داشته شده، این است که به طور کلی از آن صرف‌نظر شود و نه تنها تبهکار کیفر نشود، بلکه سرزنش نیز نشود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶/۱۵۰-۱۵۱).

تحلیل و بررسی: احتمالاً علامه جوادی ابوالفتوح را به اعتبار این سخن وی که در معنای صفح گفته: «اصل او [صفح] اعراض بُوَد، حَتَّى تَبْدُو صَفْحَةً وَجِهَةً، از او بگردی تا جانب رویت پیدا شود» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲/۱۰۹) باورمند به تفاوت معنایی صفح با عفو دانسته؛ ولی چنین برداشتی با تصریحات ابوالفتوح سازگار نیست،

زیرا اولاً ابوالفتوح در ابتدای همان جمله نقل شده می‌نویسد: «صفح، عفو باشد» و این جمله نشان می‌دهد که در نظر وی، صفح همان عفو است. ثانیاً در جایی دیگر از تفسیر روض الجنان تصریح می‌کند که عفو و صفح نظیر هم‌اند: «عفو و صفح و تجاوز و مغفرت نظایرند» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۷/۱) و صریح‌تر از آن می‌نویسد: «عفو و صفح به يك معنى باشد [که] برای اختلاف لفظ [آن را به لفظی دیگر] آورد و گفته‌اند صفح، بلیغ‌تر از عفو است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۰۳/۶). آری، گرچه ابوالفتوح تفاوت معنایی صفح با عفو و بلیغ‌تر بودن صفح از عفو را از دیگران نقل می‌کند؛ ولی باتوجه به مسبوق بودن آن به نظر صریح خود، معلوم است که تفاوت یادشده مورد قبول خود او نیست.

۲. ابعاد صفح: «عفو، گذشتن از مجازات و مؤاخذه خطاکار است. صفح، صفحه‌خاطر دل را ورق زدن و صفحه‌دیگری‌گشودن است. صفح‌کننده بر اثر بزرگواری و کرامت نفسانی به مسائل دیگری می‌پردازد و اشتباه خطاکار را از یاد می‌برد» (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۴/۲۲-۱۶۵). «اهل صفح، خاطره و صحنه ستم و نیز شخص ستمکار و گذشت خود را از صفحه‌خاطرات خود محو می‌کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۵۳/۱۱).

تحلیل و بررسی: در این دو سخن علامه جوادی آملی چند نکته قابل توجه‌اند: یک، به تفاوت معنایی صفح با عفو تصریح شده است. دو، صفح، برخاسته از کرامت (بزرگواری) نفس‌صفح‌کننده شناسانده شده است. بنا بر این، تا نفس به جایگاه کرامت (نزاهت از دنائت و پستی) نرسد، انتظار صفح از او بیجاست. سه، صفح به «محو کردن صحنه ستم و نیز شخص ستمکار و گذشت خود از صفحه‌خاطرات» یا «صفحه‌خاطرات دل را ورق زدن و صفحه‌دیگری‌گشودن» تعریف شده است. چهار، به وجه تسمیه صفح بدین نام اشاره شده، و آن (وجه تسمیه) این است که چون صفح



کننده صحنه ستم را از «صفحه» خاطرات خود محو می‌کند، یا «صفحه» خاطرات خود را ورق می‌زند و «صفحه» دیگری می‌گشاید، صفح نامیده شده است. پنج نکته بسیار لطیفی که در تبیین ابعاد صفح، وجه تمایز تفسیر تسنیم از دیگر تفاسیر به شمار می‌آید این است که برای صفح ابعاد و مراتبی تصویر شده است: نخست اینکه صفح کننده بکوشد «صحنه ستم» از صفحه خاطرات خود محو کند و آن را به فراموشی بسپارد. دوم اینکه بکوشد «شخص ستمکار» را [از آن جهت که به ستم او مربوط می‌شود] فراموش کند و دیگر از او ناراحت نباشد و سوم اینکه حتی «گذشت خود» از ستم و ستمکار را نیز به فراموشی بسپارد، که مورد سوم اوج کرامت اخلاقی در مسئله صفح است، زیرا ممکن است صفح کننده صحنه ستم و شخص ستمکار را به فراموشی بسپارد و دیگر کینه و خاطره‌ای بد از او در دل و ذهن خود نداشته باشد؛ ولی پیوسته به یاد گذشت خود از ستم و ستمکار باشد و هنر بزرگ اهل صفح این است که حتی گذشت خود را نیز فراموش کنند. البته این سطح و مرتبه از صفح به همان اندازه که متعالی و والاست، دشوار و دست‌نیافتنی است.

۳. مراد از محو خاطره بد خطای دیگران: «صفح از عفو برتر است، زیرا اهل صفح، خاطره و صحنه ستم و نیز شخص ستمکار و گذشت خود را از صفحه خاطرات خود محو می‌کنند. در نتیجه، شعور خود را از تیرگی می‌پیرایند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۵۳/۱۱-۴۵۴). «گاهی خدای سبحان ... به شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان می‌دهد که صفحه خاطرات خود را برگردان؛ به گونه‌ای که گناه کسی را نام نبری؛ نه تنها آشکارا از گناه کسی سخنی به میان نیاور و انتقام نگیر، بکوش آن را از صفحه ذهنت پاک کنی... هرچند زدودن از خاطر به نحو سلب تامّ در توان کسی نیست و تنها خدای مقلب

القلوب می تواند مطلبی را به کلی از صفحه ذهن کسی ببرد؛ آن گونه که هیچ به یادش نیاید (جوادی آملی: ۱۳۹۶، ۲۲۴/۴۵-۲۲۵).

تحلیل و بررسی: ممکن است از تعبیرهایی مانند «محو از خاطره»، نیز از برخی دیگر از نوشته‌های علامه جوادی (مانند این جمله که «صفح آن است که صفحه خاطرات را ورق بزند، جرم مجرم را فراموش کند و هرگز به یادش نباشد که فلان کس چنین جرم و ظلمی را درباره او مرتکب شده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۱۹))، چنین برداشت شود که صفح کننده باید صحنه ستمی را که به او شده یا صورت ذهنی‌ای که از شخص ستمکار دارد یا صورت ذهنی‌ای که از گذشت خود دارد، چنان از یاد و ذهن خود بزداید که دیگر هرگز آن را به یاد نیاورد، در حالی که چنین کاری اصلاً مقدور نیست تا مورد تکلیف (واجب یا مستحب) قرار گیرد. نامقدور بودن آن نیز بسیار روشن است، چون هرگاه شخص برای فراموش کردن صورتی ذهنی به آن صورت توجه کند، نه تنها از خاطر و خاطره محو نمی شود، بیشتر در ذهن زنده می شود و حتی ممکن است جزئیات آن به یاد بیاید. پس صفح به معنایی که در بیان علامه جوادی آمده عملاً مقدور نیست.

پاسخ: آری، توجه به صورت‌های ذهنی، حتی برای فراموش کردن آن‌ها موجب حضور و تثبیت و ماندگاری بیشتر آن‌ها در ذهن می شود؛ ولی باید توجه داشت که تعبیرهایی مانند «محو از خاطره» یا «به فراموشی سپردن» زایل کردن وجود ذهنی نیست، بلکه این گونه تعبیرها کنایی و بدین معنایند که آدمی به آن‌ها ترتیب اثر ندهد و آن‌ها را مبنای رفتار با ستمکار قرار ندهد؛ به گونه‌ای که شخص ستمدیده، پس از صفح، در تعامل با ستمکار مانند کسی رفتار کند که هیچ ستم و کار ناروایی از او ندیده است.

نکته‌ای که در پاسخ به پرسش یا شبهه یادشده آمد، از این بیان علامه جوادی

به خوبی استفاده می‌شود که در جایی دیگر نوشته‌اند: «آنچه در خاطر حاضر است گاهی برای بایگانی و ضبط و مرور، مورد صفح، یعنی صفحه‌گردانی قرار می‌گیرد و صفحه‌پردازی می‌شود و زمانی برای احضار و اعداد خصوص آن، صفحه‌شماری می‌شود و گاهی برای اعراض از آن و به دست نسیان سپردن و به گذشته دادن و در ردیف اخبار سوخته و فراموش شده قرار دادن است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۶۶/۶-۱۶۷).  
 تعبیر «در ردیف اخبار سوخته و فراموش شده قرار دادن» نشان می‌دهد که مراد، زدودن وجود ذهنی نیست.

۴. تبیین وصف «جمیل» برای صفح: علامه جوادی آملی در مواضعی از تفسیر تسنیم درباره وصف شدن صفح به «جمیل/زیبا» سخن گفته‌اند که از آن‌ها استفاده می‌شود این وصف توضیحی است، نه احترازی: یک. «برتر از «عفو»، مقام «صَفْح» است که به «جمیل» موصوف می‌شود: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۴۵۲/۱۱). دو. «صفح به معنای صفحه‌گردانی خاطرات است و اگر این صفحه‌گردانی با غرض اعراض از آن خاطره [بد] و به فراموشی سپردن آن باشد، آن را «صفح جمیل» می‌گویند. بنا براین، «صفح جمیل» برگرداندن صفحه ذهن و چشم پوشیدن از کار نابخردانه دیگران است. در حقیقت، انسان کریم با کرامت خود، صفحه جمیل و مبسوط صاحب حق را (اگر داشته باشد) می‌بیند و صفحه مقبوض گنهکار را مشاهده نمی‌کند. (جوادی آملی: ۱۳۹۶، ۲۲۴/۴۵). سه. «آنچه در قرآن حکیم به عنوان وصف رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده، آیتی از جمال بیکران خدای جمیل است که گاهی به عنوان «صفح جمیل» ... و زمانی به صورت «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج/۵) و گاهی به صورت «وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزمّل/۱۰) از جمال اوصاف نبی اکرم صلی الله علیه و آله بازگو

شد، از این رو هرگز چنین اوصافی به بطلان، کذب، شرّ و قبیح آلوده نخواهند شد» (جوادی آملی: ۱۳۹۶، ۲۲۹/۴۵).

تحلیل و بررسی: وصف «جمیل» را نخستین بار قرآن کریم درباره صفح به کار برده است: خدای سبحان در سوره حجر درباره چگونگی مواجهه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با انکار و تمسخر کافران، بدین گونه فرمان صفح جمیل (چشم پوشی زیبا) می دهد که انکار و ریشخند کافران را نادیده گیر و به نیکی چشم پوشی کن: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر / ۸۵). از بیان های یادشده علامه جوادی در بند ۴ چنین بر می آید که راز موصوف شدن صفح به وصف «جمیل: زیبا» در قرآن کریم، عبارت اند از: یک. برتر بودن رتبه آن در سنجش با عفو؛ دو. چون صفحه گردانی خاطرات برای اعراض از خاطرات [بد] و به فراموشی سپردن آنهاست؛ سه. چون صفحه جمیل صاحب حق دیده می شود و صفحه نازیبای گنهکار مشاهده نمی گردد؛ چهار. از این رو که اوصافی مانند صفح به بطلان، کذب، شرّ و قبیح آلوده نخواهند شد.

۵. تفکیک تعریف صفح از اوصاف و آثار آن: «البته صفح که صرف نظر کردن از اصل تبهکاری است، از عفو برتر است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۴۸/۶). «صفح برتر از عفو و عبارت از عفو جلی است؛ به طوری که از اصل تبهکاری صرف نظر شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۵۰/۶).

تحلیل و بررسی: با توجه به مجموع نگاشته های علامه جوادی درباره صفح، می توان گفت آنچه در این دو جمله آمده، یعنی «صرف نظر کردن از اصل تبهکاری» تعریف اصلی و محوری صفح از منظر ایشان است و این، بدان معناست که آدمی در برابر خطا و تجاوز و بدی دیگران گاهی از انتقام و کیفر شخص بدکار صرف نظر می کند و گاه در

مرتبه‌ای برتر، از اصل بدی و تبهکاری چشم می‌پوشد و این همان صفح است که از یک سو اوصافی و از سوی دیگر آثاری دارد. بر این اساس، گزاره‌ها و تبیین‌های دیگر ایشان از صفح، در واقع یا بیان اوصاف و ویژگی‌های صفح‌اند؛ مانند: «جمیل و زیبا بودن صفح» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۱/۴)، «عفو جلیّ [ : آشکار و برجسته ] بودن صفح» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۵۰/۶)، «برتری صفح نسبت به عفو» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۱/۴۵۲) و «برخاسته بود صفح از بزرگواری و کرامت نفسانی صفح‌کننده» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۲/۱۶۴-۱۶۵)، یا آثار و برکات صفح‌اند؛ مانند: «خودداری از سرزنش و نکوهش شخص تبهکار» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۵۰/۶-۱۵۱) و «پیراستن شعور خود از تیرگی بر اثر صفح» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۱/۴۵۳-۴۵۴).

۶. اطلاق و عموم فرمان عفو و صفح: «مقید نکردن «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» به «عَنْهُمْ» و مانند آن، بدین نکته اشاره دارد که بهترین راه اعمال قدرت، عفو و صفح است که زمینه انابه فرد عفو شده را فراهم می‌سازد و این حکم، به عفو از مشرکان یا صفح از یهودیان اختصاص ندارد، زیرا حذف متعلّق دلیل عموم یا اطلاق است؛ مانند آنچه در آیه «فُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳) مطرح است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۵۷/۶).

تحلیل و بررسی: خدای سبحان در سوره بقره، درباره تعامل با اهل کتاب، به ویژه یهودیان (با وجود حسدورزی آنان و کوشش آنان در بازگرداندن مسلمانان از ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فرمان عفو و صفح آنان را به مسلمانان می‌دهد: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا» (بقره/۱۰۹). ممکن است توهم شود که چون آیه درباره اهل کتاب است، فرمان عفو و صفح نیز عام و مطلق و همگانی نیست و به درگذشتن از خطاهای اهل کتاب اختصاص دارد. علامه جوادی آملی برای زدودن چنین توهمی، حذف متعلّق را دلیل عام

بودن فرمان عفو و صفح دانسته است؛ بدین معنا که اگر فرمان عفو و صفح درباره خصوص درگذشتن از خطاها و تبهکاری‌های اهل کتاب بود، خدای سبحان می‌فرمود: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا عَنْهُمْ» و از این رو که متعلق (عَنْهُمْ) حذف شده، پس فرمان عفو و صفح، عام است.

ملاحظه: شاید بتوان در نقد این برداشت گفت که در دیگر آیاتی که فرمان عفو و صفح از خطاهای مشرکان و اهل کتاب آمده، متعلق آن یعنی کلمه «عَنْهُمْ» آمده و این خود شاهد حذف آن در این آیه است (بدین معنا که گرچه در لفظ آیه نیامده در معنای آیه حضور دارد)، چنان‌که در سوره زخرف درباره مشرکان می‌فرماید: «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ» (زخرف / ۸۹) و در سوره مائده درباره اهل کتاب می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ» (مائده / ۱۳). پس براساس تفسیر قرآن با قرآن می‌توان گفت در آیه ۱۰۹ سوره بقره نیز گرچه «عَنْهُمْ» در لفظ آیه نیامده، به قرینه آیات مفسر، در معنای آیه هست.

نمونه‌ای از این‌گونه تفسیر قرآن با قرآن را علامه جوادی در مقدمه تسنیم چنین بیان می‌کند: «گاهی از ذکر مبتدا یا خبر، فاعل یا فعل و نیز از ذکر شرط یا جزا و مقدم یا تالی در آیه‌ای معلوم می‌شود آنچه از این عناوین در آیه دیگر حذف شده چیست» (جوادی آملی، ۱: ۱۱۴/۱۳۸۸).

البته عمومی بودن فرمان عفو و صفح از یک سواز بررسی مجموع آیات دربردارنده فرمان عفو و صفح روشن می‌شود، زیرا تنوع مصداقیق (کسانی که به عفو و صفح درباره خطاهایشان توصیه شده است) شاهد روشنی بر عام بودن این دو دستور اخلاقی است، چنان‌که درباره خطاهایی که از مشرکان (زخرف / ۸۹)، کافران و گنهکاران (حجر / ۸۵)، اهل کتاب (بقره / ۱۰۹. مائده / ۱۳)، خویشاوندان و مستمندان و هجرت کنندگان (نور / ۲۲) و

برخی از همسران و فرزندان (تغابن/۱۴) فرمان اخلاقی عفو و صفح داده شده است و این، به خوبی نشان می‌دهد که یادکرد متعلق عفو و صفح در برخی آیات، جنبه تمثیل دارد؛ نه تعیین.

از سوی دیگر، آیات ۸۵-۸۶ سوره حجر درباره همه گناهکاران و نابخردانی است که رهنمودهای دین و رسول خدا صلی الله علیه و آله را نادیده می‌گیرند و مرتکب خطاها و لغزش‌هایی می‌شوند: «وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ \* إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»<sup>۱</sup>.

#### ادله و شواهد تفاوت صفح با عفو

چنان‌که در ابتدای مقاله گذشت، از پرسش‌های اساسی درباره رابطه صفح با عفو این است که آیا فضیلت اخلاقی صفح همان عفو است و این دو عین هم‌اند یا با هم مغایرت و تفاوت دارند. در پاسخ به این پرسش دو دیدگاه وجود دارد. برخی لغویان و مفسران به عینیت و برخی دیگر، از جمله علامه جوادی آملی، به مغایرت و تفاوت آن دو نظر داده‌اند. ادله و شواهد دیدگاه دوم (تفاوت صفح با عفو) عبارت‌اند از: ۱. تصریح برخی واژه‌پژوهان و کتاب‌های فروع اللغة؛ ۲. هماهنگی معنای اصطلاحی یادشده برای صفح (تفاوت صفح با عفو) با معنای لغوی آن؛ ۳. شاهد قرآنی؛ ۴. شاهد روایی؛ ۵. آرای مفسران؛ به ویژه مفسران ادیب. اکنون به همین ترتیب، به تبیین این ادله و شواهد می‌پردازیم.

## ۱. تصریح واژه پژوهان و کتب فروق اللغه

راغب اصفهانی می‌نویسد: «صَفَحَ عبارت است از ترک تَثْرِيب (سرزنش) و آن، رساتر [و برتر] از عَفُو است و از همین رو خدا [پس از فرمان عفو، جداگانه به صفح نیز فرمان داده و] فرموده است: «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» (بقره/۱۰۹). انسان [نیز] گاه عفو می‌کند؛ ولی صفح نمی‌کند» (راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۶، «صفح»).

مصطفوی نیز معنای صفح را متفاوت با «اعراض: رویگردانی» و «ترک» دانسته و می‌نویسد: «اعراض و ترک، رها کردن [چیزی یا کسی] به طور کلی است؛ برخلاف صفح که انصراف از [شیء یا شخص] در یک جهت خاص است.... و صفح بر ادامه دادن توجه و لطف ضمنی دلالت دارد» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۸۶/۶-۲۸۷). وی درباره تفاوت سه واژه عفو، صفح و مغفرت نیز می‌نویسد: «عفو در مرتبه نخست و عبارت است از ترک عقوبت [کیفر] و صفح در مرتبه دوم و عبارت است از انصراف قلبی از نقطه خلاف به سوی جانبی، و مغفرت در مرتبه سوم و عبارت است از محو و پوشاندن گناه» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۸۷/۶)؛ نیز می‌نویسد: «صفح، عبارت است از عدول و انصراف از چیزی به طرف کنار و جانب آن؛ به طوری که توجه به جانب باشد؛ نه به نقطه خلاف، و این معنا پس از عفو و چشم‌پوشی است، چنان‌که مغفرت پس از صفح و به معنی محو و پوشاندن خطا باشد» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۸۹/۲، نیز ر.ک: ۶/۷).

عسکری نیز در الفروق فی اللغه، پس از بیان فرق میان دو واژه «صفح» و «غفران» و معنا کردن صفح به «تجاوز و درگذشتن از گناه»، واژ صفح را برگرفته از «صفحت الورقة» می‌داند که به معنای ورق زدن و گذشتن از صفحه‌ای به صفحه دیگر است و با اشاره به قول کسانی که صفح را به معنای «ترك مؤاخذه گناهکار به سبب گناهِش» دانسته‌اند،



چنین می نویسد که [پس از درگذشتن از گناه گناهکار و مؤخذه نکردن او] صفحه‌ای زیبا برایش آشکار کنی (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۳۱). این بیان، نیز با توجه به تأکید بر اینکه «صفحه‌ای زیبا برایش آشکار کنی» نشان‌دهنده برتری صفح است.

## ۲. هماهنگی معنای اصطلاحی با معنای لغوی

یکی از شواهد تفاوت معنایی صفح با عفو، تناسب و هماهنگی این معنا با معنای لغوی آن است؛ بدین معنا که چنانچه صفح را متفاوت با عفو و آن را عبارت از ترک نکوهش و سرزنش و مانند آن بدانیم، تناسب میان معنای لغوی و اصطلاحی صفح نیز رعایت شده است. تبیین بیشتر مطلب اینکه با توجه به معنای لغوی صفح (جهت و جانب و پهلو (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴۹/۴-۱۵۰. ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۳. بستانی، ۱۳۷۵: ۵۵۵) و روی هرچیز (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۴/۳، صفح))؛ مانند صفحه صورت، صفحه سنگ و صفحه شمشیر است (راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۶، «صفح»)، درباره وجه تسمیه صفح (به معنای ترک سرزنش) دو توجیه یاد شده است:

الف. برگرداندن صفحه صورت از خطاکار و خطای او: برخی، نامگذاری صفح بدین نام را از باب برگرداندن «صفحه صورت» از خطاکار دانسته‌اند که کنایه از ندیدن خطا و گناه اوست (و روشن است کسی که خطا و گناه خطاکار را نبیند، او را سرزنش نیز نمی‌کند)، چنان‌که ابن فارس صفح را اعراض از گناه [و خطای دیگری] دانسته و با اشاره به وجه تسمیه آن می‌نویسد: «زیرا وقتی [شخص] اعراض می‌کند، گویا صفحه [صورت] و روی خود را از او [گناهکار] برگردانده و این، مثل است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۳). ابن اثیر نیز صفح را به معنای اعراض، عفو، و تجاوز (درگذشتن) از گناه می‌داند و درباره وجه تسمیه آن می‌نویسد: «اصل آن از اعراض با صفحه صورت است؛ گویا او

صورت خود را از گناه شخص برگردانده است» (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳/۳۴، «صفح». نیز ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶: ۱/۳۸۳، «صفح»). طریحی نیز می‌نویسد: «صفح آن است که از چیزی منحرف شوی، پس صفحه صورتت (سمت چهره‌ات) را از آن برگردانی» (طریحی، ۱۳۷۵: ۲/۳۸۵، «صفح»).

ب. ورق زدن کتاب و گذشتن از صفحه‌ای به صفحه دیگر: صاحب الفروق فی اللغة، پس از بیان فرق میان دو واژه «صفح» و «غفران» و معنا کردن صفح به «تجاوز و درگذشتن از گناه»، واژ صفح را برگرفته از «صَفَحْتُ الْوَرَقَةَ» می‌داند که به معنای ورق زدن و گذشتن از صفحه‌ای به صفحه دیگر است و با اشاره به قول کسانی که صفح را به معنای «ترك مؤاخذه گناهکار به خاطر گناهِش» دانسته‌اند، چنین می‌نویسد که [پس از درگذشتن از گناه گناهکار و مؤخذه نکردن او] صفحه‌ای زیبا برایش آشکار کنی» (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۳۱). راغب نیز که معنای اصطلاحی صفح را ترک تخریب (سرزنش و نکوهش) می‌داند، ضمن بیان چند احتمال در تناسب میان معنای لغوی و اصطلاحی صفح، یکی از احتمالات را برگرفته بودن آن از «تَصَفَّحْتُ الْكِتَابَ: کتاب را ورق زدم» یاد می‌کند و می‌نویسد: «صَفَّحْتُ عَنْهُ بَدِينِ مَعْنَاست که ... از صفحه‌ای از کتاب که گناه گناهکار را در آن نوشته بودم به سوی صفحه‌ای دیگر گذشتم و این تعبیر، برگرفته از تَصَفَّحْتُ الْكِتَابَ است» (راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۶).

علامه جوادی آملی نیز در تفسیر تسنیم همین وجه تسمیه را پذیرفته و با اشاره به همین وجه تسمیه، چنین می‌نویسد: «صفح، برتر از عفو و عبارت از عفو جلی است؛ به

۱. چیزی را «تصفح» کردم بدین معناست که در صفحات آن نگاه کردم: «تَصَفَّحْتُ الشَّيْءَ: إِذَا نَظَرْتَ فِي صَفْحَاتِهِ» (جوهری، ۱۳۷۶: ۱/۳۸۳).

طوری که از اصل تبهکاری صرف نظر شود. صفح در معاشرت با دیگران و اهل اسائه نیز این است که انسان، کریمانه برای اعراض از گذشته، صفحات خاطرات خود را ورق زده، هرگز به یاد نیاورد که فلان شخص به او بد کرده است و در نتیجه، حتی از سرزنش تبهکار نیز خودداری کند ... این معنا با صفح به معنای «جانب و جنب» که در کتاب‌های لغت به آن تصریح شده نیز هماهنگ است؛ زیرا لازم پهلو گرفتن و جانب‌گزینی نسبت به بدی که در حق شخص روا داشته شده، این است که به طور کلی از آن صرف‌نظر شود و نه تنها تبهکار کیفر نشود، بلکه سرزنش نیز نشود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۱۵۰/۶-۱۵۱).

### ۳. شاهد قرآنی

پیش از بررسی شاهد قرآنی تفاوت معنایی صفح با عفو، ابتدا کاربردهای قرآنی ریشه صفح را گزارش می‌کنیم. در قرآن کریم، مشتقات گوناگون ریشه «صفح» هشت بار و در هفت آیه آمده‌اند. کاربردهای قرآنی صفح، دو دسته‌اند: در دسته نخست (سه آیه)، واژه صفح یا مشتقات آن به تنهایی به کار رفته‌اند و در دسته دوم (چهار آیه) که محل شاهد بحث کنونی است، صفح در کنار عفو و در همه موارد پس از آن آمده است. اکنون به اختصار موارد یادشده را گزارش می‌کنیم:

دسته یکم: یک. خدای سبحان در سوره زخرف، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تعامل با مشرکان می‌فرماید: پس تو ای پیامبر! از آنان روی برتاب و با خوش رفتاری و نرمخویی با آنان وداع و ترکشان کن، که به‌زودی فرجام کار خود را خواهند دانست: «فَاَصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (زخرف / ۸۹).

دو. در سوره حجر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چگونگی مواجهه با

انکار و تمسخر کافران و همه گنهکاران و نابخردان (جوادی آملی: ۱۳۹۶، ۲۲۳/۴۵-۲۲۵) فرمان صفح جمیل (چشم‌پوشی زیبا) می‌دهد و می‌فرماید ای پیامبر، انکار و ریشخند کافران را نادیده گیر و به نیکی چشم‌پوشی کن: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/ ۸۵).

سه. در سوره زخرف واژه صفح به معنای اعراض و روبرتافتن آمده است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳: ۸۵/۱۸). خدای سبحان در این آیه خطاب به منکران وحی می‌فرماید پس آیا چون شما مردمی گزافکارید این کتاب را که یادآور خداست از شما دریغ می‌داریم تا از شما روی برتافته باشیم؟ نه، چنین نمی‌کنیم: «أَفَنْصِرُبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ» (زخرف/ ۵).

دسته دوم: یک. خدای سبحان در سوره بقره درباره تعامل با اهل کتاب می‌فرماید بسیاری از اهل کتاب (یهودیان) پس اینکه حق برایشان آشکار شد، به سبب حسدی که از درونشان برمی‌خاست، دوست می‌داشتند شما را پس از ایمانتان، کافر گردانند. اکنون وقت ستیز با آنان نیست. پس، از آنان درگذرید و چشم‌پوشی کنید تا آن‌گاه که خدا فرمان خود را به میان آورد، که همانا خدا بر هرکاری تواناست: «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَصُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۱۰۹).

دو. در سوره مائده نیز درباره اهل کتاب می‌فرماید تو ای پیامبر! همواره به گروهی خیانت‌کار از آنان آگاه می‌شوی، مگر اندکی از آنان که اهل خیانت نیستند. پس، از آنان درگذر و چشم‌پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد: «... وَ لَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده/ ۱۳).

سه. در سوره نور نیز درباره تعامل توانگران با تهیدستان می‌فرماید از میان شما، آنان

که ثروتی بیش از هزینه‌های خویش دارند و از گشایش روزی برخوردارند، نباید از بخشش به خویشاوندان و مستمندان و هجرت‌کنندگان در راه خدا کوتاهی کنند و هرچند آنان دچار خطاها و لغزش‌هایی شده باشند، توانگران از خطاهای آنان درگذرند و لغزش‌هاشان را نادیده گیرند؛ مگر دوست ندارید که خدا برای شما گناهانتان را ببامزد؟ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است: «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيُعْفُوا وَيُضْفَحُوا أَلَّا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/ ۲۲).

چهار. در سوره تغابن نیز درباره تعامل درون‌خانوادگی می‌فرماید ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً برخی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند و می‌خواهند شما را از پابندی به ایمان و کارهای شایسته بازدارند؛ از آنان برحذر باشید و اگر از خطایشان درگذرید و بدون هیچ سرزنشی از آنان چشم‌پوشی کنید و آنان را ببخشایید، خدا شما را می‌آمرزد و از رحمت خود برخوردار می‌سازد، چرا که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَضَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن/ ۱۴). این آیه، پس از بیان و تأکید بر اینکه برخی همسران و فرزندان دشمن شما هستند، فرمان به عفو و سپس صفح می‌دهد.

نکته مهم درباره دسته دوم این است که پس از فرمان به عفو، جداگانه به صفح نیز فرمان داده شده و این یادکرد صفح پس از عفو، نشان تفاوت معنایی صفح با عفو است، چنان‌که آیت‌الله جوادی این گونه استعمالات قرآن را شاهد تفاوت دانسته و می‌نویسد: «استعمالات قرآنی مؤید آن [تفاوت] است، زیرا در همه مواردی که این دو واژه در کنار

هم آمده، «صفح» بعد از «عفو» واقع شده که نشانه ترقی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۵۰/۶-۱۵۱).

آیت الله مکارم نیز در تفسیر آیه ۱۴ سوره تغابن یادکرد صفح پس از عفو را برای بیان نکته‌ای تازه دانسته و پس از تبیین معنای صفح می‌نویسد: «این جمله [اصْفَحُوا] معمولاً به معنی روی گرداندن و صرف نظر کردن به کار می‌رود، و با قرینه جمله «فَاعْفُوا» معلوم می‌شود که این روی برگرداندن به خاطر قهر و بی‌اعتنایی نیست، بلکه به خاطر گذشت بزرگوارانه است» (مکارم، ۱۳۷۱: ۴۰۰/۱).

صادقی تهرانی نیز درباره تفاوت عفو و صفح و یادکرد قرآنی از صفح پس از عفو می‌نویسد: «عفو، عبارت است از قصد ازاله گناه و صرف نظر کردن از [انتقام] از گناهکار، و برتر از آن صفح است؛ به معنای ترک تخریب [سرزنش] و تعییب [عیبجویی و معیوب شمردن] و از همین رو پس از عفو می‌آید. آدمی گاهی عفو می‌کند؛ ولی صفح نمی‌کند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳۸۶/۲۸).

قرشی نیز با مقایسه قول راغب که میان عفو و صفح تفاوت نهاده و می‌گوید صفح از عفو ابلغ (رساتر) است و قول طبرسی که گفته صفح و عفو و تجاوز از ذنب به يك معنایند، می‌نویسد: «قول راغب به نظر بهتر می‌رسد [زیرا] در چند آیه عفو و صفح با هم آمده و صفح بعد از عفو واقع شده است: «وَلْيُعْفُوا وَلْيُصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ» (نور/۲۲. قرشی، ۱۳۷۱: ۱۳۱/۴-۱۳۲).

#### ۴. شاهد روایی

خدای سبحان در سوره حجر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمان «صفح جمیل» می‌دهد: «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ: (حجر/۸۵) پس تو ای پیامبر! انکار و ریشخند کافران را

نادیده گیر و به نیکی چشم پوشی کن». در روایات اهل بیت علیهم السلام «صفح جمیل» به ترک سرزنش و نکوهش شخص خطاکار تفسیر شده است، چنان که امیرمؤمنان (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۰/۶)، امام سجاد (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۳۳۶) و امام رضا (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۷۳) علیهم السلام در تفسیر آیه یادشده فرمودند [صفح جمیل] عفو بدون عتاب (سرزنش و نکوهش) است: «الْعَفْوُ مِنْ غَيْرِ عِتَابٍ».

از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام همچنین نقل شده است که در تفسیر آیه «فَاَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/۸۵) فرمودند راضی شدن [از شخص خطاکار] بدون سرزنش و نکوهش است: «الرِّضَا بِغَيْرِ عِتَابٍ» (سیوطی [۱۴۰۴: ۱۰۴/۴]).

از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است که در تفسیر همان آیه فرمودند [صفح] عفوی است بدون عقوبت کردن و انتقام گرفتن و بدون .... و بدون نکوهش و سرزنش: «عَفْوٌ مِنْ غَيْرِ عُقُوبَةٍ وَ لَا تَعْنِيفٍ وَ لَا عَتَبٍ» (حسن بن محمد دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۰۷).

علامه جوادی آملی در اشاره ذیل این دسته از روایات چنین نگاشته‌اند: «منت نهادن، تحقیر کردن دیگران، خود بزرگ دیدن و مانند آن، بیماری‌های اخلاقی و گزندگان بیمار و دیگران است. هرچند آسیب این گونه بیماری‌ها نسبت به آسیب طرف مقابل، سریع و روشن است؛ اما نسبت به خود بیمار دیرتر و گدازنده‌تر است» (جوادی آملی: ۱۳۹۶، ۲۲۹/۴۵).

## ۵. آرای مفسران

مفسران در معنای صفح و تفاوت آن با عفو دو دسته‌اند: گروه اندکی از مفسران، صفح را همان عفو دانسته‌اند، چنان که طبرسی واژه‌های «عفو»، «صفح»، «مغفرت» و «تجاوز» را نظایر یکدیگر و هم معنا دانسته (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۳: ۲۳۴/۱. نیز ر.ک: ۳۵۲)؛

ابوالفتوح رازی نیز می‌نویسد: «عفو و صفح و تجاوز و مغفرت نظایرند» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲۸۷/۱)؛ نیز می‌نویسد: «صفح، عفو باشد، و اصل او اعراض بُود، حتّی تَبَدُّو صَفْحَةً وَجِهَكْ، از او بگردی تا جانب رویت پیدا شود» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۱۰۹/۲)؛ همچنین می‌نویسد: «عفو و صفح به يك معنى باشد برای اختلاف لفظ آورد و گفته‌اند صفح بلیغ‌تر از عفو است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۰۳/۶).

مغنیّه نیز می‌نویسد میان واژگان عفو و صفح و مغفرت، جز در لفظ فرقی نیست و مقصود از کنار هم آوردن آن‌ها [در يك آیه] فقط تأکید و ترغیب و تشویق است. (مغنیّه، ۱۴۲۴: ۳۴۴/۷).

اما بسیاری از مفسران متقدم و متأخر، نیز مفسران شیعی و سنی، تفاوت معنایی صفح با عفو را پذیرفته و صفح را ترک سرزنش و توبیخ دانسته‌اند که به ترتیب تاریخی به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: سهل بن عبدالله تستری در تفسیر تستری (ج ۱، ص ۸۹)، احمد بن محمد ثعلبی در الکشف و البیان عن تفسیر القرآن (۲۵۸/۱)، محمد بن احمد قرطبی در الجامع لأحكام القرآن (۷۱/۲)، عبدالله بن عمر بیضاوی در انوار التنزیل و اسرار التأویل (۱۰۰/۱)، عبدالله بن احمد نسفی در تفسیر النسفی (مدارک التنزیل و حقائق التأویل) (۶۴/۱)، ابراهیم بن عمر بقاعی در نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور (۴۱۶/۲)، سیوطی در الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور (۱۰۴/۴)، محمد ابوالسعود العمادی در ارشاد العقل السلیم معروف به تفسیر أبی السعود (۱۴۶/۱)، ملافتح الله کاشانی در منهج الصادقین فی الزام المخالفین (۲۵۸/۱) و در زیادة التفاسیر (۲۱۲/۱)، فیض کاشانی در الصافی (۱۸۰/۱) و ۱۹/۳ و ۱۸۴/۵ و الاصفی (۱۳۱۲/۲)، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی در کنز الدقائق و بحر الغرائب (۱۱۸/۲ و ۲۸۳/۱۳)، حقّی بروسوی در روح البیان (۱۸/۱۰)، ثناء الله پانی



پتی در التفسیر المظهری (۳۱۵/۹)، شوکانی در فتح القادیر (۲۸۴/۵)، عبدالله شُبّر در الجوهر الثمین فی تفسیر کتاب المبین (۲۲۸/۶) و تفسیر القرآن الکریم (۵۲۰/۱)، محمود بن عبدالله آلوسی در روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (۳۲۱/۱۴)، محمد نووی در مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید (۵۳۴/۲)، احمد مصطفی مراغی در تفسیر المرآغی (۱۳۰/۲۸)، حسین شاه عبدالعظیمی در تفسیر اثنی عشری (ج ۱۳، ص ۲۰۰)، علی رضا خسروانی در تفسیر خسروی (۳۰۲/۸)، محمد جواد بلاغی در آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن (۲۵۳/۱) علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن (۱۹۰/۱۲ و ۱۹۷)، سعید حوی در الاساس فی التفسیر (۵۹۵۷/۱۰)، دکتر وهبة الزحیلی در التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج (۲۵۴/۲۸)، سید عبدالاعلی موسوی سبزواری در مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (۳۹۱/۱ و ۷۳/۱۱)، صادقی تهرانی در الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه (۳۸۶/۲۸)، آیت الله ناصر مکارم در تفسیر نمونه (۲۰۵/۲۴)، محسن قرائتی در تفسیر نور (۱۶۲/۶ و ۸۶/۱۰)، آیت الله جوادی آملی در تسنیم (۱۵۰/۶-۱۵۱ و ۱۶۶-۱۶۷. نیز ر.ک: ۴۵۰/۱۱-۴۵۴. ۱۶۴/۲۲-۱۶۵) و اکبر هاشمی رفسنجانی و همکاران در تفسیر راهنما (۱۹۹/۹ و ۱۶۸/۱۲).

برخی مفسران نیز ضمن پذیرش تفاوت معنایی صفح با عفو، صفح را به زدودن کینه و ناراحتی از دل یا فراموش کردن خطای خطاکار دانسته‌اند؛ مانند سید محمد حسین فضل الله در من وحی القرآن (۲۷۰/۲)، محمد تقی مدرسی در من هدی القرآن (۳۲۹/۲)، سلطان علی شاه، (سلطان محمد بن حیدر) در بیان السعاده فی مقامات العباده (۱۸۳/۴) و سید قطب در فی ظلال القرآن (۲۱۵۳/۴). مصطفوی نیز در تفسیر روشن می نویسد: «صفح، عبارت است از عدول و انصراف از چیزی به طرف کنار و جانب آن؛ به طوری که

توجه به جانب باشد؛ نه به نقطه خلاف، و این معنا پس از عفو و چشم‌پوشی است، چنان‌که مغفرت پس از صفح و به معنی محو و پوشاندن خطا باشد» (۸۹/۲، نیز ر.ک: ۶/۷). در التحقیق فی کلمات القرآن الکریم نیز صفح را متفاوت با عفو و اعراض (رویگردانی) و ترک و مغفرت دانسته و درباره معنای آن می‌نویسد: «صفح، انصراف از [شیء یا شخص] در یک جهت خاص است.... و بر ادامه دادن توجه و لطف ضمنی دلالت دارد» (۲۸۶/۶-۲۸۷).

اکنون، به اختصار به دیدگاه‌های برخی مفسران (به ترتیب تاریخی) اشاره می‌شود. گفتنی است که آرای تفسیری مفسران گرچه از منابع دانش تفسیر نیست؛ بدین معنا که دلیل مستقل برای برداشت از قرآن به شمار نمی‌آید، به عنوان شاهد و مؤید می‌توان از آن بهره برد؛ به ویژه آنجا که مفسران ادیب و گروهی پرشمار از مفسران قرآن برداشتی را تأیید کرده باشند.

۱. احمد بن محمد ثعلبی: «فَاعْفُوا» بدین معناست که ترک کنید [عقوبت و کیفر و انتقام] را و «اصْفَحُوا» بدین معناست که بگذرید و عبور کنید (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۵۸/۱).

۲. محمد بن احمد قرطبی: «عفو، ترك مؤاخذه بر گناه است و صفح، إزالة اثرگنا و خطا از نفس» (قرطبی، ۱۳۶۴: ۷۱/۲).

۳. عبدالله بن عمر بیضاوی: «عفو، ترك عقوبت گناهکار و صفح، ترك سرزنش اوست» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۰/۱).

۴. ابراهیم بن عمر بقاعی: «فَاعْفُ عَنْهُمْ» بدین معناست که ... آنان را بر این گناهان کیفر نکن و از آنجا که عفو مانع از عتاب (سرزنش و نکوهش) نیست [بدین معنا که قابل جمع‌اند و ممکن است کسی در عین عفو کردن و ترک انتقام و کیفر، عتاب و

سرزنش داشته باشد] فرمود «وَاصْفَحْ»؛ بدین معنا که اصلاً و رأساً از آن گناه ردیگردانی کن و چنان که گناهکار را عِقَاب (کیفر) نمی‌کنی، او را عِتَاب (سرزنش) نیز نکن که این، احسانی از سوی توست و هرگاه احسان کنی محبوب خدا خواهی بود (بقاعی، ۱۴۱۵: ۴۱۶/۲).

۵. ابوالسعود: «عفو، ترک مؤاخذه و عقوبت است و صَفْح، ترک تَثْرِيب (سرزنش) و تَأْنِيب (نکوهش و توبیخ) (ابوالسعود، ۱۹۸۳: ۱۴۶/۱).

۶. ملا فتح الله کاشانی: «فَاعْفُوا پس در گذرید ای مسلمانان! از عقوبت یهودان و قتال و جدال با ایشان وَاصْفَحُوا و روی بگردانید از تعرض رسانیدن بایشان و تَثْرِيب: نکوهش] ایشان (کاشانی، بی تا: ۲۵۸/۱. نیز ر.ک: کاشانی، ۱۴۲۳: ۲۱۲/۱).

۷. آلوسی: «عفو، ترک عقوبت و کیفر گناهکار است و صَفْح، ترک تَثْرِيب (سرزنش) و تَأْنِيب (نکوهش و توبیخ) او و آن، رساتر [و برتر] از عفو است، زیرا انسان گاه عفو می‌کند؛ ولی صَفْح نمی‌کند» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۶/۱). در جایی دیگر درباره «صفح جمیل» می‌نویسد: «بر پایه روایاتی که راویانی متعدد از علی (کرم الله تعالی وجهه) و ابن عباس نقل کرده‌اند، صفح جمیل آن است که از عتاب (سرزنش و نکوهش) پیراسته باشد. راغب نیز خود صفح [بدون وصف «جمیل»] را به ترک تَثْرِيب (سرزنش) تفسیر کرده و آن را رساتر از عفو دانسته است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۲۰/۷).

۸. علامه طباطبایی پس از نقل سخن راغب درباره تفاوت معنایی صفح با عفو و پس از اشاره به سخن امیر مؤمنان علیه السلام که «صفح جمیل» را به عفو بدون عتاب معنا فرموده‌اند، در معنای آیه «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» می‌نویسد: «حال که خلقت عالم بر پایه حق است و روزی هست که اینان در آن روز محاسبه و مجازات می‌شوند، پس دیگر به فکر تکذیب

و استهزاء آنان مباش و از آنان درگذر، بدون اینکه به آنان ناسزا بگویی و عتاب (نکوهش) یا مناقشه و جدالی کنی (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۲/۱۹۰ و ۱۹۷).

۹. سیدعبدالاعلی موسوی سبزواری نیز عفو را «ترك مؤاخذه بر گناه» و صفح را «ازاله اثر گناه و خطای خطاکار از نفس و جان و رویگردانی از گناهکار» و آن را از مکارم اخلاق معرفی می‌کند (سبزواری، ۱۴۰۹: ۱/۳۹۱).

۱۰. آیت الله مکارم نیز با اشاره به همین تفاوت، در تفسیر آیه «وَأَنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن/ ۱۴) می‌نویسد: «عفو مرحله نخستین است و به معنی گذشت و ترك انتقام و هرگونه عکس العمل می‌باشد، و صفح به معنی روی برگرداندن و نادیده گرفتن و به فراموشی سپردن است که این مرحله دوم می‌باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳/۴۱۹)؛ نیز عفو به معنی صرف نظر کردن از مجازات است، و صفح مرتبه بالاتری است؛ یعنی ترك هرگونه سرزنش و غفران به معنی پوشاندن گناه و به فراموشی سپردن آن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴/۲۰۵).

۱۱. در تفسیر راهنما نیز درباره این تفاوت معنایی چنین آمده است: «عفو در لغت به معنای گذشت است و صفح به معنای گذشت همراه با ترك ملامت نسبت به خطاکار است... چنین گذشتی، حاکی از کرامت و بزرگواری گذشت کننده است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲/۱۶۸). در جای دیگر این تفسیر نیز آمده است: «صفح به معنای عفو بدون ملامت کردن و به رخ کشیدن است که از آن می‌توان به گذشت کریمانه و بزرگواری تعبیر کرد» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۹/۱۹۹).

## منابع

۱. ابن أثير، مبارك بن محمد (۱۳۶۷)؛ **النهاية في غريب الحديث و الأثر**؛ تصحيح: محمود طناحي و طاهر احمد زاوي، قم: مؤسسه مطبوعاتي اسماعيليان، چاپ چهارم.
۲. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علي (۱۳۷۶)؛ **الأمالی**؛ تهران: کتابچی، چاپ ششم.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۱)؛ **معانی الاخبار**؛ به کوشش علی اکبر غفاری؛ قم: انتشارات اسلامي، چاپ اول.
۴. ابن دريد، محمد بن حسن (۱۹۸۸)؛ **جمهرة اللغة**؛ بيروت: دارالعلم للملایين، چاپ اول.
۵. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)؛ **معجم مقاييس اللغة**؛ به کوشش: عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامي، چاپ اول.
۶. ابوالسعود العمادی محمد (۱۹۸۳)؛ **تفسير ابی السعود (ارشاد العقل السليم)**؛ بيروت: دار احیاء التراث العربي، چاپ اول.
۷. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱)؛ **تهذيب اللغة**؛ بيروت: دار احیاء التراث العربي، چاپ اول.
۸. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵)؛ **روح المعانی فی تفسير القرآن العظيم و السبع المثانی**؛ تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بيروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)؛ **المحاسن**؛ به کوشش جلال الدین محدث؛ قم: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۰. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵)؛ **فرهنگ ابجدی**؛ تهران: انتشارات اسلامي، چاپ دوم.
۱۱. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۱۵)؛ **نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور**؛ بيروت: دار الکتب العلمیه، چاپ سوم.

۱۲. بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰)؛ **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**؛ تحقیق: واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت؛ چاپ اول، قم: بنیاد بعثت، چاپ اول.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸)؛ **انوارالتزیل و أسرارالتأویل**؛ تحقیق: محمد عبدالرحمان المرعشلی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۱۴. پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲)؛ **التفسیر المظهری**؛ کویته: مکتبه رشدیہ، چاپ اول.
۱۵. تستری، سهل بن عبدالله (۱۴۲۳)؛ **تفسیر التستری**؛ تحقیق: عیون سود، محمد باسل، بیروت: دار الکتب العلمیہ، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲)؛ **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**؛ بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)؛ **تسنیم ج ۱**؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹)؛ **تسنیم ج ۴**؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ ششم.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ الف)؛ **تسنیم ج ۶**؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)؛ **تسنیم ج ۱۱**؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)؛ **تسنیم ج ۱۶**؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم.
۲۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ ب)؛ **تسنیم ج ۲۲**؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
۲۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)؛ **حماسه و عرفان**؛ قم: مرکز نشر اسراء، چاپ هشتم.
۲۴. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)؛ **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**؛ تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۲۵. حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴)؛ **تحف العقول عن آل الرسول**؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۲۶. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا)؛ **تفسیر روح البیان**؛ بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۲۷. حوی، سعید (۱۴۲۴)؛ **الاساس فی التفسیر**؛ قاهره: دار السلام، چاپ ششم.
۲۸. خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰)؛ **تفسیر خسروی**؛ تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: کتاب فروشی اسلامیہ، چاپ اول.

۲۹. رازی، ابوالفتوح، حسین بن علی (۱۴۰۸)؛ **روض الجنان و روح الجنان**؛ به کوشش محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)؛ **مفردات ألفاظ القرآن**؛ بیروت: دارالقلم، چاپ اول.
۳۱. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸)؛ **التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج**؛ بیروت - دمشق: دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.
۳۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۸۶)؛ **مقدمة الأدب**؛ تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۹۷۹)؛ **اساس البلاغه**؛ بیروت: دار صادر، چاپ اول.
۳۴. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸)؛ **بیان السعادة في مقامات العباده**؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۳۵. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸)؛ **اعلام الدین فی صفات المؤمنین**؛ تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.
۳۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴)؛ **الدرالمنثور فی التفسیر بالمأثور**؛ قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
۳۷. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)؛ **تفسیر اثنی عشری**؛ تهران: میقات، چاپ اول.
۳۸. شبر، سید عبدالله (۱۴۰۷)؛ **الجواهر الثمین فی تفسیر القرآن الکریم**؛ تحقیق: سید محمد بحر العلوم؛ کویت: مکتبه الألفین، چاپ اول.
۳۹. شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲)؛ **تفسیر القرآن الکریم**؛ بیروت: دار البلاغه للطباعة و النشر.
۴۰. شوکانی، محمد (۱۴۱۴)؛ **فتح القدير**؛ دمشق: دار ابن کثیر، چاپ اول.
۴۱. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶)؛ **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه**؛ قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۴۲. صالح، صبحی (۱۴۱۴)؛ **نهج البلاغه**؛ قم: انتشارات هجرت، چاپ اول.
۴۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳)؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ بیروت: اعلمی، چاپ دوم.

۴۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ تحقیق: فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
۴۵. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)؛ **مجمع البحرين**؛ تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۴۶. طوسی (شیخ طوسی) محمد بن حسن (بی تا)؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ تحقیق: احمد قصیر عاملی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۴۷. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۷۳)؛ **نور الثقلین فی تفسیر القرآن**؛ به کوشش سیدهاشم رسولی محلاتی؛ مؤسسه اسماعیلیان. چاپ چهارم.
۴۸. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰)؛ **الفروق فی اللغة**؛ بیروت: دار الآفاق الجدیده، چاپ اول.
۴۹. فضل الله، سیدمحمد حسین (۱۴۱۹)؛ **من وحی القرآن**؛ بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر، چاپ اول.
۵۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۸)؛ **الاصفی**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۵۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵)؛ **تفسیر الصافی**؛ تصحیح: حسین أعلمی، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۵۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵)؛ **القاموس المحيط**؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۵۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴)؛ **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی**؛ قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
۵۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)؛ **تفسیر نور**؛ تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن، چاپ اول.
۵۵. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱)؛ **قاموس قرآن**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۵۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴)؛ **الجامع لاحکام القرآن**؛ تهران: ناصر خسرو، چاپ اول.
۵۷. قطب، سید (۱۴۲۵)؛ **فی ظلال القرآن**؛ بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنجم.



۵۸. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)؛ **کنز الدقائق و بحر الغرائب**؛ تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۵۹. کاشانی، فتح الله بن شکر الله (۱۴۲۳)؛ **زبدة التفاسیر**؛ تحقیق: مؤسسة المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
۶۰. \_\_\_\_\_ (بی تا)؛ **منهج الصادقین فی إلزام المخالفین**؛ تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول.
۶۱. مدرس، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹)؛ **من هدی القرآن**؛ تهران: دار محبی الحسین، چاپ اول.
۶۲. مراغی، احمد مصطفی (بی تا)؛ **تفسیر المراغی**؛ بیروت: دار الفکر، چاپ اول.
۶۳. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰)؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**؛ بیروت - قاهره - لندن: دارالکتب العلمیه و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ سوم.
۶۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰)؛ **تفسیر روشن**؛ قم: مرکز نشر کتاب، چاپ اول.
۶۵. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)؛ **التفسیر الکاشف**؛ تهران: دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول.
۶۶. مکارم شیرازی و همکاران (۱۳۷۱)؛ **تفسیر نمونه**؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵)؛ **اخلاق درقرآن**؛ قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ چهارم.
۶۸. موسوی سبزواری، سیدعبدالأعلی (۱۴۰۹)؛ **مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن**؛ [بی جا] دفتر سماحة آية الله العظمی سبزواری، چاپ سوم.
۶۹. نسفی، عبدالله بن احمد (۱۴۱۶)؛ **تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقائق التأویل**؛ بیروت: دار النفاثس، چاپ اول.
۷۰. نووی، محمد (۱۴۱۷)؛ **مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید**؛ تحقیق: محمد امین ضناوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
۷۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۶)؛ **تفسیر راهنما**؛ قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.